

تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران

تحقیق از: دکتر اکبر کرباسیان

مقدمه

یک نسل قبل، در بحیوچه مبارزات ملی کردن صنعت نفت، یک سازمان دولتی فنی و حرفه‌ای آمریکایی در ایران فعال شد. تشکیل این سازمان که به «اصل چهار» معروف بود، از طرف رییس جمهور وقت آمریکا، آقای ترومن (Harry S. Truman) در سخنرانی افتتاحیه دوره دوم ریاست جمهوری نامبرده، در ژانویه ۱۹۴۹ میلادی عنوان شد و چون آقای ترومن در بخش چهارم سخنرانی خود گفته بود «آمریکا موظف است به کشورهای فقیرتر جهان کمک کند» سازمان مجری بخش چهارم از پیشنهادات آقای ترومن، که توسط دولت آمریکا ایجاد شد، به نام «اصل چهار ترومن» شهرت یافت.

هدف نهایی دولت آمریکا از دادن کمک به کشورهای فقیرتر جهان البته سیاسی بود و بدون تردید این کمک‌ها برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم، که در آن سالها در آسیا، اروپای شرقی و آمریکای مرکزی سریعاً در حال پیشرفت بود، داده می‌شد. نامزدهای دریافت این کمک‌ها در اروپا و خاورمیانه کشورهای ترکیه، یونان و ایران بودند که پس از پایان جنگ جهانی دوم در تیررس نفوذ کمونیسم شوروی قرار داشتند. منتهی کمک‌هایی که برپایه اصل چهار ترومن به این کشورها داده می‌شد از نوع نظامی نبودند، بلکه شامل انواعی از آموزش فنی و حرفه‌ای و معرفی روش‌های جدید می‌شد که به طور ریشه‌ای و در سطح روستا، اقتصاد این کشورها را تحت تأثیر قرار می‌داد. آقای ترومن، منتخب از حزب دمکرات آمریکا، عقیده‌ای راسخ داشت که مؤثرترین حربه برای

جلوگیری از نفوذ کمونیسم در کشورهای فقیر جهان، یکی کمک به روی کار آمدن حکومت‌های ملی و دیگری کمک به معرفی اصلاحات عمیق اجتماعی است. اگر با بیسوادی مبارزه شود و وضع بهداشت و درآمد مردم بهبود یابد مردم این کشورها خود رأساً با نفوذ کمونیسم مبارزه خواهند کرد و سدهای تدافعی به وجود خواهند آورد و لذا نیازی به لشکرکشی‌های پرهزینه و اقدامات نظامی نخواهد بود. البته بودجه در نظر گرفته شده توسط دولت آمریکا، به ویژه برای کمک به ایران، عملاً ناچیز بود و دولت مزبور بعدها ارقام دیگری را در قالب وام و اعتبار در اختیار دولت‌های وقت ایران قرار داد.

امضای موافقت‌نامه

بدین ترتیب در ماه اکتبر ۱۹۵۰ (مهرماه سال ۱۳۲۹) بین دولت ایران و دولت ایالات متحده آمریکا (نخست‌وزیر ایران دکتر محمد مصدق و سفیر آمریکا) موافقت‌نامه‌ای درباره آغاز فعالیت «اصل چهار ترومن» در ایران امضا شد. به موجب این موافقت‌نامه دولت آمریکا اجازه یافت در بخش‌های کشاورزی، آموزش و بهداشت به ایران کمک‌های فنی ارائه دهد. در آن زمان کشور ایران منطقه برخوردار منافع دو ابرقدرت وقت یعنی انگلستان و شوروی بود و هیچکدام از این دو قدرت با ورود آمریکا به صحنه سیاست ایران موافق نبودند. چندماه بعد، یعنی در اسفند ماه ۱۳۲۹ صنعت نفت، ملی اعلام شد و پیچیدگی‌های جدیدی را در برنامه کمک‌های مالی و فنی دولت آمریکا، که از متحدین انگلستان بود، ایجاد کرد.

پس از اعلام ملی شدن صنعت نفت ایران،

دولت آمریکا ابتدا از دولت دکتر مصدق حمایت کرد. لکن در اثر رویدادهای سیاسی دیگر دولت آمریکا سیاست خود را سریعاً تغییر داد. دکتر مصدق مایل بود مستقلاً نفت ایران را در بازارهای اروپا برای فروش عرضه کند، ولی هم انگلستان و هم آمریکا با اینکار مخالفت می‌ورزیدند. پس، در خرداد ماه سال ۱۳۳۱ نیروی دریایی انگلستان در خلیج عدن مانع از عبور کشتی «رزماری» Rosemary که به طور سمبلیک فقط ۷۰۰۰ تن نفت خام ایران را به اروپا حمل می‌کرد، شد. در این زمان خزانه دولت دکتر مصدق شدیداً تهی بود و کشور به ارز خارجی نیاز مبرم داشت. چنانچه اجرای برنامه اصل چهار به هر دلیل به تعویق می‌افتاد این امر نیز مزید بر علت می‌شد. ولی پرزیدنت ترومن نهایتاً زمانی با هزینه کردن سالانه ۱۸ الی ۲۵ میلیون دلار در ایران موافقت کرد که مطمئن شد دولت انگلستان منعی بر سر راه اقدامات آمریکا ایجاد نخواهد کرد.

آمریکایی‌ها در ایران

قبل از ورود اصل چهار به ایران مردم تهران، سوای آشنایی با میسیون اقتصادی دکتر میلیسیو در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به وسیله متفقین، با تعدادی سرباز آمریکایی عربده‌کش نیز آشنایی پیدا کرده بودند. تنها مؤسسه آمریکایی فعال در ایران نیز بنگاه خاور نزدیک یا (The Near East Foundation) بود که مؤسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی محسوب می‌شد و تحت سرپرستی Charles Wright اداره می‌شد. این بنگاه چند روستا را در منطقه ورامین، مانند بلشت و قلعه نو، برای اجرای برنامه‌های ترویج و آموزش حرفه‌ای انتخاب و چندحلقه چاه نیز در این

دهه ۱۹۶۰ ایران به طور شگفت‌انگیزی

مدارج ترقی را پیموده است.» سپس در یک میهمانی که در سال ۱۹۶۸ توسط هوشنگ انصاری سفیر ایران در آمریکا به افتخار «دین راسک» Dean Rusk، وزیر امور خارجه آمریکا ترتیب یافته بود، فعالیت‌های اصل چهار و هیأت عمران بین‌المللی خاتمه اعلام شد.

فعالیت‌های اصل چهار بین چهار بخش اصلی تقسیم می‌شد و شامل موارد زیر بود: (۱) بخش ترویج کشاورزی (۲) بخش بهداشت عمومی (۳) بخش آموزش و پرورش (۴) بخش نوسازی نهادهای اجتماعی. در داخل هر بخش نیز عملیات بر مبنای طرح‌ها و پروژه‌های معین و از قبل تعریف شده، به اجرا در می‌آمد. مسئولیت‌ها، امکانات و شرح وظایف هر فرد نیز در هر یک از طرح‌ها معین بود. پس از پایان یک پروژه، آن را خاتمه یافته اعلام می‌کردند و پروژه دیگری آغاز

تشکیلات اداری

در سال ۱۳۳۰ اصل چهار فعالیت خود را در ایران تحت سرپرستی «ویلیام. ای. ورن» William E. Warne آغاز کرد که قبلاً با سازمان سیا CIA همکاری داشت. نامبرده کشور را به ۱۵۰ بخش (Zone) تقسیم کرد و هفت معاون برای خود برگزید. در این تقسیم‌بندی شهر تهران، به لحاظ پایتخت بودن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به همین مناسبت گروه جداگانه‌ای به نام (Tehran Team) برای انجام مقاصد اصل چهار در تهران اختصاص داده شد. یکی از معاونین وارن به نام Workinger سرپرست تیم تهران نیز بود. طرف ایرانی سرپرست اصل چهار، که رییس اجرایی کل اصل چهار نیز محسوب می‌شد دکتر محمد مقدم بود. اولین رییس اصل چهار آقای وارن حدود چهار سال در ایران فعالیت داشت. پس از آنکه Warne ایران را ترک کرد آقای

روستاها حفر کرده بود. مرکز بنگاه خاور نزدیک در روستای مامازن ورامین قرار داشت. این بنگاه در روستای مامازن با اجاره ساختمان هنرستان دخترانه، دانشسرای روستایی مامازن را در محل آن راه‌اندازی کرده بود. به دانش‌آموزان این دانشسرا پس از پایان سیکل اول متوسط، برنامه‌های حرفه‌ای کشاورزی، بهداشت و غیره تدریس می‌شد. بنگاه خاور نزدیک در روستای قلعه نو نیز، یک آموزشگاه دخترانه دائر کرده بود و ظرف یازده ماه به دانش‌آموزان برنامه خان‌داری آموزش می‌داد.

هنگامی که در سال ۱۹۵۱ اصل چهار فعالیت خود را در ایران آغاز کرد، ابتدا به این بنگاه کمک کرد تا فعالیت خود را از ۵۰ روستا به ۳۰۰ روستا در منطقه ورامین توسعه دهد. در طول سال‌های دهه پنجاه میلادی نیز این بنگاه با اصل چهار همکاری‌های آموزشی نسبتاً نزدیکی داشت. تا اینکه در سال ۱۳۳۶ شمسی فعالیت این بنگاه در ایران خاتمه یافت و اسناد مالکیت اموال آن، توسط آقای Ceryl Crowder مدیر عامل وقت بنگاه خاور نزدیک، به نخست‌وزیر وقت ایران (دکتر اقبال) تحویل داده شد.

سوی بنگاه خاور نزدیک، در اوایل دهه پنجاه میلادی تعداد شهروندان آمریکایی در ایران بسیار محدود بود. در این زمان مهمترین فردا آمریکایی غیردولتی در ایران دکتر گارنی Dr. Gruncy معاون دکتر جردن Dr. Jourdan معروف (رییس کالج آمریکایی‌ها در تهران) بود. توسط این فرد، تازه‌واردین اصل چهار به دولتمردان ایرانی معرفی می‌شدند و بدین ترتیب بین طرفین ارتباط برقرار می‌شد. ضمناً چون آمریکایی‌ها نسبت به طرز زندگی ایرانیان و تاریخ و فرهنگ آنها بیگانه بودند، نامبرده تازه‌واردین را با روش‌ها و طرز تفکر و رفتار ایرانیان آشنا می‌کرد. در آن زمان منزل مسکونی این فرد یکی از مراکز پررفت و آمد ایرانیان کنجکاو بود که درباره اهداف و برنامه‌های اصل چهار در ایران پرس‌وجو می‌کردند.

«کلارک گریگوری» Clark Gregory

سرپرست اصل

چهار شد و این پست را تا

پایان سال فعالیت اصل

چهار، یعنی سال ۱۳۳۶ در

اختیار داشت. بنابراین

دوران فعالیت اصل چهار

در ایران فقط ۷ سال بود.

هنگام ترک ایران، آقای

گریگوری اموال اصل چهار

را به دولت ایران انتقال

داد. پس از وی نیز آقای

Harry Barne جانشین

وی شد. ولی در همین ایام

نام اصل چهار به «هیأت

عمران بین‌المللی

آمریکا» تغییر کرد. این

سازمان تا سال ۱۳۴۶ در

ایران فعال بود، تا اینکه

مدیر وقت آن Edward

Lafayette اعلام کرد «در

شرکت فرامطلق (مسئول)

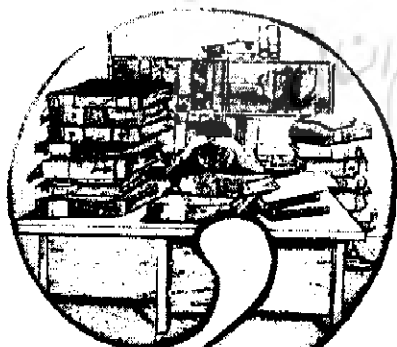
تهران ۱۴۳۸ - خیابان ولی عصر - مقابل پارک ساعی - شماره ۱۰۵/۶ - واحد ۳۰۸
تلفن: ۷-۷۰۴-۸۷۱ ۷۰۷-۸۷۱ فاکس: ۷۰۷-۸۷۱ E.MAIL: fmotlagh@neda.net

کارآمدترین مرکز جهت ارائه:

- نرم افزارهای تصویری آرشو، دیرخانه و بایگانی، گردش مکانیک، ایجاد بانک اطلاعاتی
- نرم افزارهای تئوری خرید، فروش، انبار، کنترل حسابهای بانکی و مشتریان، حسابداری
حقوق و دستمزد، اموال

لیست محصولات

زونکن دیرخانه
فایه رسان
پیکرند
زونکن آرشو
آلبوم
جدول
نقشه
مجموعه
حسابداری
انبار فسی و مصرف
انبار تولید
پیشخوان
حقوق و دستمزد
اموال



صدها زونکن نه!

فقط یک

زونکن



فرامطلق

می شد.

سرپرستی بخش ترویج کشاورزی برعهده آقای «جانسون» D. Johnson قرار داشت. مهندس خلیل طالقانی سرپرست ایرانی این بخش بود و اردشیر زاهدی، قبل از ورود به جرگه سیاست، پست معاونت وی را برعهده داشت. مهندس عبدالرضا انصاری، که بعدها پست وزارت یافت ابتدا در بخش ترویج کشاورزی اصل چهار فعالیت می کرد. در داخل بخش ترویج کشاورزی فعالیت های متعددی از قبیل مرغداری، دامداری، زراعت، باغداری و غیره آموزش داده می شد و مزارع و دامداری های نمونه تأسیس می شدند.

بخش فعالیت های بهداشت عمومی را دکتر «مک دونالد» DR. Medonald سرپرستی می کرد و دکتر منوچهر شاهقلی سرپرست ایرانی این بخش با وی همکاری نزدیک داشت. در خدمات اجتماعی یا Community services با اکبرزار با دکتر شاهقلی (وزیر بهداشتی بعدی) همکاری می کرد. در این بخش نیز مبارزه با مالاریا، تلقیح در برابر امراض و سالم سازی محیط زیست و غیره مورد توجه قرار داشت.

سرپرستی بخش فعالیت های فرهنگی برعهده آقای Hamlin بود و آقای Tumbo در امور آموزش و پرورش با وی همکاری داشت. اصل چهار در این بخش با وزارت فرهنگ وقت همکاری های بسیار نزدیکی برقرار کرده بود. فعالیت های آموزشی اصل چهار شامل آموزش و تأمین دبیر و در ژاندارمری ایران مبارزه با بیسوادی بود. بخش نوسازی نهادهای اجتماعی توسط Robert Herder که تا سال ۱۳۳۶ در ایران بود، اداره می شد. در این بخش پروژه های متعدد و گوناگونی به اجرا در می آمد که با یکدیگر الزاماً هیچگونه سختی نداشتند.

در هر یک از مناطق (Zone) ۱۵۰ گانه کشور، که ۱۰ الی ۲۰ روستا را پوشش می داد، سه الی چهار نفر معاون و پرسنل محلی در قالب بهیار، مأمور سوادآموزی، و یا متخصص کشاورزی، بهداشت، دستگاه های نمایش سمعی و

بصری، برق کار، مهندس و غیره حضور داشتند. متخصص تبلیغات، برای مثال، از طریق وسایل سمعی و بصری و نمایش فیلم های علمی روستاییان را با روش های نوین کشاورزی، آبیاری،

گروهی از افرادی که در رژیم گذشته به مقامات عالی و پست های کلیدی دست یافتند، کسانی بودند که فعالیت های اولیه خود را در «اصل چهار» آغاز کرده بودند.

دامداری، باغداری و غیره آشنا می کرد. همکاران محلی وی درباره موضوعات هر یک از فیلم ها به زبان و لهجه های محلی صحبت می کردند و توضیحات لازم را به روستاییان می دادند. وزارتخانه های بهداشتی، کشاورزی و فرهنگ، در این روستاها با اصل چهار همکاری نزدیک داشتند و با تأمین هزینه های ریالی پروژه ها، امکانات لازم را حتی المقدور در اختیار اصل چهار قرار می دادند.

در سالهای آغازین فعالیت اصل چهار در ایران تعداد کارشناسان و متخصصین آمریکایی نسبتاً محدود بود و از ۱۲۰ نفر تجاوز نمی کرد. لکن در اواسط دهه پنجاه میلادی عده این افراد از ۷۰۰ نفر تجاوز کرد. عده مدیران و کارکنان ایرانی اصل

چهار نیز از ۱۴۰۰ نفر تجاوز کرد و تعداد سایر کارکنان ایرانی زمانی به حدود ۷۰۰۰ نفر رسید. در همین سالها دفتر USIS برای اطلاع رسانی و تبلیغ علیه احزاب چپ و حزب توده ایران در تهران دائر شد. فعالیت های اصلی این مرکز چاپ و انتشار انواع نشریات و جزوات بود. این دفتر در سال ۱۳۳۵ ابتدا جزواتی به صورت پلی کپی و سپس از دوره دوم به صورت مدون، مجله ای به نام «اخبار هفته» (از سال ۱۳۳۶) چاپ، و به رایگان توزیع می کرد. در جلسات مرکز USIS پیشرفت های اصل چهار به طور مرتب مورد بحث و گفت و گو قرار می گرفت. افراد سرشناسی مانند دکتر سیاسی، دکتر اقبال، دکتر رضا زاده شفق و محمد حجازی و غیره در جلسات بحث پیشرفت ها مرتباً شرکت می کردند. انجمن دوستداران آمریکا نیز در سال ۱۳۳۵ در تهران تأسیس گردید. [بدین ترتیب ملاحظه می شود بسیاری از کسانی که بعدها به مقام های بالا مدیر کلی، معاون، وزارت و حتی نخست وزیری رسیدند فعالیت های اولیه خود را در اصل چهار آغاز کرده بودند.]

هنگامی که Clark Gregory سرپرست اصل چهار، در سال ۱۳۳۶ تهران را ترک می کرد مهندس خلیل طالقانی در باشگاه افسران ضیافت مفصلی به افتخار وی داد. معاون وی در آن سال Heimer سخنرانی مبسوطی کرد و گفت: «هدف ما این بود که به ایرانیان خدمت کنیم و سطح زندگی آنها را بالا ببریم.» آقای گریگوری نیز گفت «برنامه اصل چهار انجام پروژه های گوناگون بود. ما به ایرانیان برای این پروژه ها آموزش لازم را دادیم» سپس شرح مبسوطی درباره کارهای انجام شده ارائه داد. به پاداش فعالیت های نامبرده نشان درجه ۲ همایون به وی داده شد. به معاون امور عمومی وی Rober Herder نیز نشان درجه ۳ همایون داده شد.

نکته قابل توجه اینکه بسیاری از جوانان تحصیل کرده و از آمریکا برگشته روز به استخدام اصل چهار درآمدند و با آن همکاری نزدیک

داشتند. این افراد که دستمزدهای سخاوتمندانه‌ای در مقایسه با حقوق سایر مستخدمین دولت دریافت می‌کردند، بعداً در کابینه‌های حسنعلی منصور و پست‌های وزارت را اشغال کردند. هویدا دعوت به همکاری شدند.

اقتصاد ایران و انتخاب پرسنل اصل چهار

اقتصاد ایران در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی شدیداً به کشاورزی و دامداری متکی بود. حدود ۸۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کردند. شغل اصلی آنها کشاورزی و مشاغل وابسته به کشاورزی بود. در آن دوران اقتصاد کشور در «دام تعادل فقر» قرار داشت، بسدین معنی که سرمایه‌گذاری در کشاورزی و صنعت بسیار ناچیز و بازدهی تولید در هر دو بخش نسبتاً پایین بود. روش‌های تولیدی و فعالیت‌های رایج کشاورزی سنتی بود. مثلاً زراعت به نیروی انسان و چهارپایان متکی بود و از ماشین‌آلات در کشاورزی استفاده نمی‌شد. همین طور به لحاظ استفاده از بذرهای بومی و شخم توسط چهارپایان، عدم آشنایی با بذر مرغوب و با روش‌های نوین کشاورزی، بازدهی محصولات کشاورزی در سطح هکتار ناچیز بود. در شرایط خوب از هر تخم بذر ۳۰ تخم محصول برداشت می‌شد که بسیار پایین بود. در بسیاری از شهرها آب سالم وجود نداشت. فاضلاب هدر می‌رفت و وارد آب آشامیدنی می‌شد. انواع امراض شایع بود. همین طور نسل حیوانات بومی کشور مانند مرغ، گاو، گوسفند و الاغ همه تحلیل رفته بودند. مقدار تخم‌گذاری مرغ و شیردهی بز و گاو و گوشت‌دهی گوسفند، گاو و بزهای بومی به طور متوسط ناچیز بود. به همین لحاظ برنامه تقویت بنیان کشاورزی ایران برای اصل چهار از اهمیت و توجه خاصی برخوردار شد. پایه‌گذاران اصل چهار با مطالعه و دقت بسیار، کارشناسان و متخصصین لازم برای فعالیت در بخش کشاورزی ایران را تنها از ایالت یوتا و دانشگاه ایالتی یوتای (UTAH) آمریکا جذب و استخدام کردند. علت این انتخاب چند عامل بود.

اول اینکه آب و هوای ایالت یوتای آمریکا با آب و هوای استان‌های مرکزی و بخش عمده‌ای از ایران شباهت بسیار نزدیک دارد. دوم اینکه سکنه ایالت یوتا اکثراً متدین هستند و مذهب مورمن (MORMONS) دارند که از جمله مذاهب دین حضرت مسیح است. مورمن‌های آمریکا روحیه‌ای جمع‌گرا و اجتماعی دارند و در امور گروهی و کمک کردن به یکدیگر و به جامعه بشری و مردم محتاج‌تر جهان پیشقدم هستند. سوم اینکه برحسب دستورات مذهبی خود، مورمن‌ها الکل نمی‌نوشند، گوشت خوک نمی‌خورند و حتی مانند مردم تعدادی از روستاهای ایران بین آنها چند همسری رواج دارد. بنابراین از لحاظ فرهنگی و داشتن معتقدات مذهبی، اگرچه متفاوت، تا حدودی با روستاییان ایران تقارن و نزدیکی دارند. مهمتر از همه اینکه مورمن‌های یوتا پرکارند، روحیه‌ای متواضع دارند و در روستاها با روستاییان

نتیجه‌گیری می‌کردند که این غریبه‌های سخت‌کوش، کاردان، مذهبی، خانواده‌دار و متواضع به روستای آنها و بهبود وضع کشاورزی آنها کمک می‌کنند. به همین مناسبت روستاییان شدیداً پذیرای آنها بودند. حتی همسران این آمریکایی‌های گروه اول که از ایالت یوتا به ایران آمدند، به زنان روستایی روش‌های جدید بارداری، زایمان، بچه‌داری و شیردادن بهداشتی را آموزش می‌دادند. این کشاورزان آمریکایی به زودی ثابت کردند که مشاورین دلسوزی برای روستاییان ایران هستند، زیرا که وجود آنها در بهبود وضع کلی روستاهای ایران مؤثر واقع شده بود.

پس از ورود به روستا، هر یک از این افراد ابتدا بافت اجتماعی و اقتصادی منطقه تحت نظارت و فعالیت خود را شناسایی می‌کرد و نیازهای فوری و مبهم روستاها را به مراکز سرپرستی اصل چهار گزارش می‌داد. مثلاً اگر چاه آبی یا قناتی خشک یا

ایران زندگی می‌کردند و خود را با سبک زندگی آنها وفق می‌دادند.

چون مطالعه اولیه با دقت انجام شده بود نتایج حاصله نیز رضایت‌بخش از کار درآمد متخصصین مورمن مذهب آمریکایی از ایالت یوتا می‌آمدند و در روستاها با روستاییان ایران هم‌کار و هم‌زندگی می‌کردند. روزها با روستاییان کار می‌کردند و شبها به خانه آنها دعوت می‌شدند و یا همراه آنها به قهوه‌خانه روستا می‌رفتند. روستاییان ایرانی خلق نیکو و راحت و حسن سلوک این افراد را می‌پسندیدند. آنها مشاهده می‌کردند و



فروش برترین فلزیاب و انواع معدن یاب در دنیا

تلفن: ۰۶۶-۷۷۸۰۶۶-۷۸۲۵۲۸۲-۰۲۱

موبایل: ۰۹۱۱ ۲۱۴ ۲۲۹۵

۰۹۱۱ ۲۳۰ ۷۷۱۲

شرکت آسیا چالوت

کم آب بود یا اینکه امراض خاصی شیوع یافته بود فوراً از مرکز، مقنی یا پزشک و دارو درخواست می کرد. به هنگام پیش آمدهای طبیعی و یا بروز اپیدمی ها و یا بروز آفات نباتی مأمورین کشاورزی و متخصصین بهداشتی لازم به محل درخواست کمک اعزام می شدند.

ترویج کشاورزی

منظور از ترویج کشاورزی، دادن خدمات، آموزش و راهنمایی های لازم در امور کشاورزی به روستاییان است. در این بخش تغییرات بنیادی و ریشه ای همه جانبه مورد توجه مجریان اصل چهار بود. ترویج رشته های گوناگونی را در برمی گرفت که مهم ترین آن ها عبارت بود از: آموزش آبیاری، زراعت، باغداری و دامداری، مرتعداری، اصلاح نژاد دام و طیور، اصلاح چراگاه ها، مبارزه با آفات نباتی، پل سازی و جاده سازی و ایجاد آب انبار در روستا، احداث مزارع نمونه، ترویج ماشین آلات جدید کشاورزی، سیلو سازی، ایجاد مدارس حرفه ای و دانشکده کشاورزی، تشکیل شرکت های تعاونی تولید و مصرف و حتی احداث کارخانجات مرتبط با عمل آوری و رقم بندی محصولات کشاورزی را در برمی گرفت. ترویج کشاورزی با ارتقاء سطح اطلاعات کشاورزان درباره بذر، ماشین آلات سر و کار داشت. مثلاً به روستاییان کار کردن با تراکتور را آموزش می داد، آن هم در زمانی که روستاییان هنوز با گاواهن کار می کردند. از دیگر فعالیت های اصل چهار در ایران معرفی و آموزش مرغداری نوین بود. قبل از آغاز فعالیت اصل چهار روش مرغداری نوین با تولید انبوه و عملیات جوجه کشی و تخم کشی در ایران به کلی ناشناخته بود. اصل چهار این روش ها را به ایرانی ها آموزش داد و سپس عملاً مرغ های آمریکایی را به ایران وارد کرد.

اصل چهار همه ساله ۱۰۰۰ قطعه جوجه های یک روزه آمریکایی را با هواپیما به ایران وارد می کرد. این جوجه ها شامل جوجه های گوشتی از

نوع Rhode Island و New Hampshire بود. جوجه های تخم گذار آمریکایی نیز از نوع Plymouth Rock بود. این جوجه ها را ابتدا در بنگاه دامپروری حیدرآباد کرج، که با کمک مالی و فنی اصل چهار و وزارت کشاورزی دائر شده بود، نگهداری و سپس بین مرغداران اطراف تهران توزیع می کردند. در این زمان ظرفیت نگهداری بنگاه دامپروری حیدرآباد فقط ۳۰۰۰ مرغ و خروس بود.

از سال ۱۳۳۵ دفتر USIS برای تبلیغ علیه احزاب چپ، و از جمله حزب توده، در کنار سازمان اصل چهار تشکیل شد و فعالیت های گسترده ای را آغاز کرد.

اصل چهار به مؤسسه دامپروری حیدرآباد اولین ماشین های اتوماتیک جوجه کشی را هدیه داد. سپس همه ساله در نوبت های متعدد و هر نوبت بین ۶۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ تخم مرغ جوجه کشی را از آمریکا به ایران وارد می کرد. این تخم مرغ ها همه در تأسیسات مؤسسه دامپروری حیدرآباد کرج به جوجه تبدیل می شد. اکنون از هر ۱۰۰ تخم مرغ ۸۰ عدد جوجه به دست می آمد. هر مرغ تخم گذار سالانه تا ۲۷۰ عدد تخم می گذاشت. این نوع

بازدهی ها در ایران سابقه نداشت. به دلیل همین سوددهی بالا، عده ای از مردم تهران و روستاهای اطراف به مرغداری و جوجه کشی مدرن روی آوردند.

دامپروری نوین

اقتصاد روستاهای ایران عمدتاً بر پایه زراعت و دامداری و استفاده از چهارپایانی مانند گاو، گوسفند، بز، قاطر و الاغ جهت تغذیه، حمل و نقل و شخم استوار بود. تا قبل از آغاز عملیات اصل چهار در ایران ماده گاوهای ایرانی جثه ای نحیف داشتند و در بهترین شرایط سالانه ۹۰۰ لیتر شیر می دادند. از گاوهای نر بومی نیز اغلب برای شخم زدن در مزارع و آبکشی از چاه استفاده می شد. برای تغذیه انسان نیز بیشتر گوشت گوسفند و بز مورد استفاده قرار می گرفت. قاطرها و الاغ های بومی نیز کوچک اندام و نحیف بودند. رویهم رفته نژاد دام و حیوانات بومی نیاز به اصلاح داشت.

اصل چهار از طریق بنگاه دامپروری حیدرآباد، که تحت سرپرستی L.M. Harmon اداره می شد، دو نوع گاو به ایران معرفی کرد که یک نوع شیری بود به نام گاو Hollstein و نوع دیگر گوشتی بود به نام گاو Brown Swiss که هر دو نژاد با آب و هوای ایران کاملاً سازگار بودند. در بنگاه دامپروری حیدرآباد و بعداً در ایستگاه های دامپروری بسیاری از شهرهای ایران از طریق تلقیح مصنوعی گاوهای Brown Swiss با ماده گاوهای بومی، دو رگه های بسیار مقاوم و جالبی متولد شدند. ماده دورگه های نسل اول روزانه تا ۱۵ کیلوگرم شیر می داد و هرچه نسل جلوتر می رفت مقدار آن بیشتر می شد. دورگه های نر نیز دارای جثه ای بزرگتر و گوشت دهی بیشتری بودند. بعداً مرکز تلقیح مصنوعی تهران ایجاد شد و ظرف شش سال ۲۵۰۰۰ گوساله اصیل در اثر تلقیح مصنوعی متولد شدند. خدمات تلقیح گاوهای ماده روستاییان رایگان انجام می شد. نسل انواع گاوهایی که اصل چهار به ایران آورد هم اکنون به طور گسترده ای در سرتاسر ایران موجود است.

علاوه بر اصلاح نژاد گاوهای بومی، اصلاح

نژاد گوسفند، بز، قاطر و حتی الاغ، که در زندگی اقتصادی روستاییان نقش حیاتی داشتند، مورد توجه متخصصین اصل چهار قرار گرفت. گوسفندان نر و ماده نژاد آمریکایی که رامبویه نامیده می شدند و با آب و هوای ایران سازگار بودند. همه ساله از ایالت یوتا به ایران وارد می شدند. گوسفندهای اصیل رامبویه پشم مرغوب و جثه بزرگتری داشتند و اغلب دوقلو می زاییدند. (۱)

در یک حرکت جسورانه زمانی اصل چهار از کشور قبرس حتی الاغ به ایران وارد کرد که مورد تمسخر بعضی از نشریات وقت قرار گرفت. الاغ های قبرسی قوی و بسیار مقاوم بودند و با نژاد بومی کشور که بسیار لاغر، ریزه اندام و نحیف بودند، آمیزش داده شدند. دو رگه های جدید بسیار قوی تر و بزرگ تر از اجداد بومی خود متولد شدند. همین عمل نسبت به نسل قاطر نیز انجام گرفت.

زراعت و باغداری

اصل چهار ابتدا مزرعه نمونه ای را در سطح ۹۰ هکتار در مرکز حیدرآباد کرج ایجاد که با گاواهن و قاطر شخم زده می شد. این زمین بایر طی دو سال به مزرعه حاصلخیزی تبدیل شد. در مرکز دامپروزی و کشاورزی حیدرآباد، ابتدا کشت ذرت با بذر وارداتی مرغوب آزمایش شد بعداً نتیجه استفاده از کودهای شیمیایی در افزایش تولید در معرض دید مردم قرار گرفت. روی بذرهای گندم کشت آبی و گندم کشت دیم کار بسیار انجام گرفت و نتایج به دست آمده مرتباً به روستاییان نشان داده می شد. از مخلوط کردن بذرهای بومی با بذرهای آمریکایی نیز نتایج خوبی به دست آمد.

گفته می شود که قبل از ورود متخصصین اصل چهار به منطقه ورامین و کرج از هر تخم بذر گندم ۳۰ تخم محصول به دست می آید. هنگامی که هفت سال بعد کارشناسان اصل چهار ایران را ترک کردند از هر تخم بذر گندم ۷۰ تخم به دست می آمد. در مزرعه نمونه کرج ماشین آلات کشاورزی و

روش های نوین به روستاییان نشان داده می شد. ضمناً مطلوبیت کشت شیدر و علوفه به جای یونجه و اصول سیلو کردن علف، سیلو کردن تفاله های چغندر قند (که قبلاً دور ریخته می شد)، بسته بندی گاه و علوفه با ماشین و غیره به روستاییان آموزش داده می شد. قبلاً در دشت مغان گوسفندان در زمستان از بی علوفه ای تلف می شدند، در حالی که همزمان تفاله های چغندر قند در کارخانجات قند می گندیدند. مروجین کشاورزی چگونگی نگهداری تفاله های چغندر قند در زمستان در سیلوهای زمینی را به روستاییان دشت مغان آموزش دادند. تا در زمستان به عنوان غذای دام از آنها استفاده شود. آقای هارمون (T.M. Harmon) اولین سیلوهای نمونه نگهداری تفاله چغندر قند برای تغذیه دام در زمستان را در سال ۱۳۳۱ ساخت. در سال ۱۳۳۵ تعداد این سیلوها به ۷۰۰ عدد رسید.

آموزش کشاورزی

اصل چهار چند صد هزار دلار برای ایجاد دانشکده کشاورزی کرج، که سالانه ۲۵۰ دانشجو می پذیرفت، و برنامه ریزی دروس، تجهیز آزمایشگاه ها، تأمین اسناد و غیره هزینه کرد. در اواسط دهه پنجاه میلادی دکتر ویلیام کارل (William Carl) که قبلاً رییس دانشکده کشاورزی دانشگاه یوتا واقع در ایالت یوتای آمریکا بود به ایران آمد و با سمت مشاور اصل چهار در دانشکده کرج مشغول به کار شد. نامبرده به برنامه های دانشکده کشاورزی کمک های مؤثر می کرد. علاوه بر این، اصل چهار به تأمین استاد برای دانشسرای عالی دختران در قلعه نو از روستاهای ورامین نیز کمک مالی کرد. در اجرای این برنامه از دانشگاه بریگام یانگ (Bigham Young Univ) واقع در ایالت یوتا، استادان لازم برای دانشسرا استخدام و به ایران اعزام شدند. مثلاً در سال ۱۳۳۶ افراد زیر به ایران آمدند و در این دانشسرا به تدریس و مشاوره مشغول شدند. (۱) Prof. Wolf، رییس هیأت و استاد رشته

آموزش و پرورش

(۲) Prof. Berg، متخصص آموزش ابتدایی
(۳) Prof. Bauer، متخصص آموزش متوسطه، که روابط خانوادگی تدریس کرد.
(۴) Prof. Shirts، متخصص سمعی و بصری
(۵) Prof. Romkit، متخصص امور خانه داری، که پارچه شناسی تدریس کرد.
این دانشسرا قبلاً با کمک بنگاه خاور نزدیک و مؤسسه فورد و بعداً با کمک مالی اصل چهار دائر شده بود. اصل چهار سالانه مبلغ ۱۰ میلیون ریال برای تأمین لوازم آزمایشگاه های فیزیک، شیمی و طبیعی این دانشسرا پرداخت می کرد. دختران روستایی در این مدرسه اصول تغذیه، مرغداری، بهداشت، باغداری، بچه داری، آشپزی و پرستاری را فرا می گرفتند.

علاوه بر این اصل چهار، سالانه یکصد نفر ایرانی را به دانشگاه های بیروت و سایر کشورها اعزام می کرد و با برنامه توسعه مدارس حرفه ای کشاورزی و صنعتی و ایجاد سازمان ترویج کشاورزی در وزارت کشاورزی که زمانی ۲۰۰ مروج داشت، همکاری می کرد. از طریق بنگاه اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات نیز تعدادی مدرسه روستایی بنا کرد و برای روستاها جاده سازی و پل سازی انجام داد.

توسط مروجین کشاورزی اصل چهار در روستاها قبل از هر اقدام دیگری ابتدا نقشه ده تهیه و خانه ها شماره گذاری می شد. هر منزل روستایی نیز در دفتر اصل چهار یک پرونده داشت. مرکز بهداشت اصل چهار در منطقه رباط کریم، که دارای ۸۲ روستا بود، یک مرکز بهداشت ایجاد کرد. این مرکز بهساز، بهیار، پرستار و قابله به منازل روستاییان اعزام می کرد و چگونگی تأمین آب آشامیدنی روستا، طرز شستن ظروف، لباس و طرز نظافت داخل منزل روستاییان را مورد دقت قرار می داد. سپس نحوه رفع نواقص به آنها آموزش داده می شد.

یکی دیگر از فعالیت های اصلی مروجین کشاورزی اصل چهار تربیت دهیار بود. دهیاران

روستاییان را آموزش می‌دادند و روح همکاری را در بین آنها می‌دیدند. تربیت دهیاران در جهت آموزش دادن اصول جدید کشاورزی به روستاییان مؤثر بود. دهیار طرز کار با خیش جدید یا دستگاه جدید و یا ماشین آلات جدید را مثلاً در روستاهای میان‌وآب آذربایجان به روستاییان آموزش می‌داد. وی پوستره‌های آموزشی دیواری تهیه و توزیع می‌کرد و کمک‌های اولیه بهداشتی را در اختیار روستاییان قرار می‌داد. مثلاً در اصفهان که مردم به استفاده از یخ طبیعی عادت داشتند، مبارزه با مصرف یخ طبیعی آلوده توسط دهیاران انجام می‌گرفت. دهیار مربوطه آب را به رنگ آغشته کرد و مردم هم رفته‌رفته مصرف یخ‌های طبیعی را کنار گذاشتند و از یخ قالبی که توسط اصل چهار معرفی شده بود، استفاده کردند.

آموزش و پرورش

بخش آموزش و پرورش اصل چهار در تهران که دارای تیم خاص خود بود، تحت سرپرستی آقای Berryessa قرار داشت که با دستیار ایرانی خود دکتر دانا بهشتی در تیم تهران (Team Tehran) همکاری می‌کرد.

در سال‌های آغازین دهه پنجاه میلادی آموزش و پرورش در کشور و خصوصاً تهران با کمبود معلم، دبیر، مدرسه و کلاس درس مواجه بود. برای مثال در سال ۱۳۳۲ شمسی حدود یک سوم محصلین دبیرستان‌های شهر تهران فاقد کلاس درس بودند و دانش‌آموزان در حیاط مدرسه آموزش می‌دیدند. تعداد دبیران رشته‌های زبان انگلیسی، ریاضی، فیزیک و شیمی نیز به اندازه کافی نبود. اصل چهار این کمبودها را مورد شناسایی قرار داد و برای تربیت آموزگار و دبیر و رفع کمبود کلاس درس اقدام کرد.

در تهران (Institute of in-service training) ایجاد شد. هدف این انستیتو آن بود که آموزگاران و دبیران مستعد اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) را شناسایی و استخدام کند و سپس آنها را تحت دوره‌های آموزش علمی فشرده سه ماه و

نیمه قرار دهد. این کار انجام شد. مدرسین این دوره‌ها نیز بعدها بسیار شهرت یافتند. افرادی مانند احمد بیرشک، احمد رضا قلی‌زاده رضا اقصی و هندی‌زاده در این دوره‌ها تدریس می‌کردند. آموزگاران داوطلب که قدرت رهبری داشتند، معمولاً با یک مصاحبه ساده انتخاب می‌شدند. این افراد پس از پایان دوره آموزش با ۱۲ ساعت وقت اضافی از قرار ساعتی ۱۰ تومان که علاوه بر حقوق رسمی آنها بود (و ماهانه ۴۸۰ تومان می‌شد) استخدام می‌شدند. بدین ترتیب دبیران موجود وقت اضافی خود را برای آموزش در دبیرستان‌ها در اختیار وزارت آموزش و پرورش محل کار خود قرار می‌دادند. در سال‌های بعد تدریس دبیرستان‌ها دو زمانه شد (از ساعت هفت و نیم صبح تا یک و نیم بعدازظهر و از ساعت دو تا پنج بعدازظهر) و بدین ترتیب کمبود آموزگار و دبیر در دبیرستان‌های تهران نسبتاً مرتفع شد. جمعیت کلاس‌ها نیز از هشتاد نفر به حدود چهل نفر کاهش یافت.

تحت آموزش فشرده اصل چهار اغلب کارمندان عالی‌رتبه وزارتخانه‌های کشور و حتی اعضای شورای روستاها دو دوره زبان انگلیسی را می‌گذرانند. هدف این بود که طرف‌های ایرانی بهتر بتوانند از تجربه و علوم جدیدی که متخصصین اصل چهار به آنها معرفی می‌کردند، استفاده کنند. برای ایجاد انگیزه به افراد دوره دیده که «گواهی نامه» دریافت می‌کردند، ماهانه ۱۰۰ تومان اضافه حقوق پرداخت می‌شد.

افراد معروفی مانند مرحوم جلال آل احمد و خانم سیمین دانشور نیز در همین کلاس‌های فشرده اصل چهار دوره‌های کارآموزی را گذرانیدند. در هر صورت ظرف پنج سال حدود ۹۰۰۰ نفر توسط اصل چهار در رشته‌های گوناگون آموزش داده شدند که از این عده ۲۰۰۰ نفر آنها را آموزگاران و دبیران کشور تشکیل می‌دادند. اصل چهار برای پرسنل ژاندارمری کل کشور نیز برنامه‌های فشرده سه ماهه سوادآموزی

برگزار کرد.

تا سال ۱۳۳۲ حدود ۴۰۰ مدرسه با کمک مالی اصل چهار و دولت ایران و اهالی روستاها در سرتاسر کشور ساخته و تعدادی مدرسه نمونه نیز دائر شد. هدف از تأسیس مدارس نمونه این بود که کودکان طبق اصول جدیدترین روش‌های معمول در آمریکا آموزش ببینند و تربیت شوند. ایجاد انجمن‌های خانه و مدرسه، که الگوی جدیدی بود، برای اولین بار به خانواده‌ها و مدارس معرفی شد و مورد تجربه و بهره‌برداری قرار گرفت. به ترتیب معلم، آموزش حرفه‌ای، خانه‌داری و تربیت بدنی توجه شد. آموزگاران، دبیران و مربیان ضمن خدمت، طی دوره‌های هفت هفته‌ای، اصول جدید آموزش و پرورش را می‌آموختند.

دفع آفات نباتی (مانند آفت لیسه در باغ‌های زنجان) و دفع حشرات موذی، ضد عفونی کردن انبارها و طولی‌ها و سرسراها، مبارزه با سن، که دائماً عامل نکبت و قحطی در کشور بود، سم‌پاشی با هواپیما و حتی آموزش خلبانان سمپاش جزو برنامه‌های اصل چهار قرار داشت.

بخش بهداشت عمومی

بهداشت عمومی شامل فعالیت‌های گسترده و گوناگونی می‌شد و در بسیاری موارد حتی کار سوخت‌رسانی به روستا را نیز در بر گرفت. سرپرست ایرانی این بخش مهم اصل چهار دکتر جمشید آموزگار بود که از دانشگاه کرنل آمریکا در بهداشت عمومی درجه Ph.D. داشت. معاونت این بخش را نیز دکتر طبری برعهده داشت. مروجین اصل چهار در هر روستا ابتدا به برطرف کردن انگل‌های محیط و آسیب‌های بهداشتی می‌پرداختند. پس با ماده جدیدی به نام DDT والدین، که اصل چهار به هزینه خود وارد می‌کرد، از طریق استخدام کردن جوانان و محصلین دبیرستانی محلی، در فصل معینی، ظرف ۷۵ روز، قبل از زمان تخم‌گذاری پشه مالاریا، محیط را سم‌پاشی می‌کردند.

مبارزه با مالاریا و ریشه کن کردن این مرض به ویژه در استان مازندران، مورد توجه خاص قرار داشت. این برنامه را اصل چهار آغاز کرد ولی پایان آن تا حدود پانزده سال بعد به طول انجامید. بر روی مبارزه با آفات نباتی و تهاجم ملخ بسیار کار شد. با استخدام پزشکان ایرانی عملیات تراخیم زدایی و مبارزه با کچلی انجام شد. دسته‌های مأمور مبارزه مرتباً به روستاها فرستاده می‌شدند. در نواحی و سواحل خلیج فارس تا ۸۵٪ مردم از بیماری تراخیم رنج می‌بردند. برای تأمین آب آشامیدنی سالم و ایجاد فاضلاب و حمام‌های غیرعمومی، که «حمام نمره‌ای» نامیده می‌شد، اقدامات بنیادی به عمل آمد. با کمک وزارت بهداشتی از کار کلیه گرمابه‌های عمومی، که دارای خزانه آب گرم بودند جلوگیری شد.

در بخش بهداشت عمومی تلقیح در مقابل امراضی مانند ابله، دیفتری، کزاز، سیاه‌سرفه، حصبه و غیره در بسیاری از روستاها به طور مستمر انجام گرفت. به مجرد رسیدن خبر شیوع بیماری عمومی از مراکز استان‌ها گروه‌های بهداشتی اصل چهار به محل اعزام می‌شدند. در مازندران طی ۵ سال بروز مالاریا از ۹۰٪ به ۳٪ کاهش یافت. ظرف فقط یک سال ۶ میلیون نفر در برابر ابله و پانصد هزار نفر بر ضد تیفوس، دیفتری و سایر امراض واکسینه شدند. قبلاً در روستاها آب سالم تصفیه شده وجود نداشت و همین امر باعث بروز تیفوس می‌شد. در تعدادی از روستاها مسیر قنات‌ها را پوشاندند و چاه‌های نیمه عمیق حفر کردند و آب سالم را از طریق لوله کشی به منازل روستایی رساندند.

نوسازی نهادهای اجتماعی

فعالیت‌های اصل چهار در این بخش زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی متعددی را در بر گرفت. مثلاً از احداث خیابان‌های جدید گرفته تا کمک به شهرداری محل، حفر کانال فاضلاب و یا کمک به ایجاد صنایع کوچک، آشنا کردن روستاییان با طرز کار شرکت‌های تعاونی و تولیدی

یا اجرای پروژه‌های خاص، مانند تعویض لوکوموتیوهای بنگاه راه‌آهن ایران...

از جمله کارهای اصل چهار در ایران راه‌اندازی نهضت تعاونی در ایران بود. اصل چهار از بدو تأسیس توجه خاصی نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی تولیدی و مصرفی کشاورزی داشت. از همین رو، از سال ۱۳۳۰ تعدادی از جوانان ایرانی را به آمریکا فرستاد تا با طرز کار تعاونی‌ها آشنا شوند. از طرف دیگر کارشناسان تعاونی از اداره مرکزی اصل چهار آمریکا به ایران اعزام شدند.

یکی از این افراد آقای John McCally بود که در سال ۱۳۳۱ طرحی را برای ایجاد شرکت تعاونی در ورامین و فریمان ارائه داد. برحسب این طرح نامبرده برای تشکیل شرکت‌های تعاونی به آموزش جوانان روستایی پرداخت. بعداً شرکت‌های تعاونی ماشین‌آلات کشاورزی، برحسب طرح Prof. Milikan استاد دانشگاه ایالتی یوتا و یکی از مشاورین اصل چهار، در کیاکلا، زرقان، موسی‌آباد، نیشابور، ریاط کریم، اهواز و غیره ایجاد شد. در سال ۱۳۳۶ انجمن محلی کوی یوسف‌آباد نیز شرکت تعاونی ایجاد کرد.

در سال ۱۳۳۳ طرح ایجاد یک کارخانه بطری سازی برای تأمین شیر پاستوریزه توسط جرج ایکن Gorge Icone مشاور آمریکایی اصل چهار تهیه شد. هدف وی این بود که ورود شیشه و بطری به کشور کاهش یابد و سالانه چند میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی شود. هزینه خرید ماشین‌آلات این کارخانه ۲۰۰/۰۰۰ دلار بود که ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نیز سازمان برنامه برای ساختمان کارخانه صرف کرد. سال بعد کارخانه تولید شیر پاستوریزه تهران با کمک مالی سازمان جهانی بهداشت کودکان و مادران (یونیسف) تأسیس شد.

در همین ایام اصل چهار و شهرداری تهران ساختمان کشتارگاه تهران را طرح‌ریزی کردند. نقشه اصلی کشتارگاه توسط مؤسسه مهندسی ریح فیلدو ایتینک تهیه شد. از این پس روزانه تا

۴۰۰۰ رأس گوسفند و گاو برای شهر یک میلیون نفری تهران ذبح می‌شد. اصل چهار حتی به صنعت نساجی ایران نیز کمک کرد. در سال ۱۳۳۱ اصل چهار ۱۰/۰۰۰ دوک همراه با ۲۰۴ دستگاه بافندگی و ماشین‌آلات حلاجی و لوازم برق و روشنایی، ماشین‌آلات آهار زنی و غیره را، که از تعدادی شرکت‌های معروف آمریکایی وارد کرده بود، به کارخانجات چیت‌سازی تهران هدیه کرد. متخصصین شرکت United Merchant & Manufacturer برای نصب و راه‌اندازی این ماشین‌آلات به تهران آمدند و کارخانه به موقع راه‌اندازی شد.

با همکاری آقای Mckaiser، که از طرف اصل چهار در تأسیسات راه‌آهن دولتی ایران فعالیت می‌کرد، در سال ۱۳۳۴ تعداد ۷۰ دستگاه لکوموتیو دیزل به راه‌آهن ایران داده شد. همین‌طور، بنگاه سرم‌سازی رازی با کمک‌های فنی و مالی اصل چهار در ایران تأسیس شد.

در سال ۱۳۳۶ اصل چهار به ایجاد آزمایشگاه خاک‌شناسی کمک کرد و کادر فنی و گروه‌های خاک‌شناسی را برای تجزیه نمونه خاک و آب و سایر مطالعات به روستاها فرستاد. در همان سال، مشاورین اصل چهار به تأسیس اداره استانداردها و صادرات و تأمین لوازم آزمایشگاهی آن نیز کمک کردند. توسط اصل چهار کارکنان فنی کارخانه برق تهران در رشته الکتریسیته آموزش دیدند. کارشناسان اصل چهار به بررسی و ایجاد صنایع در رشته‌های چوب‌بری، شیشه‌سازی، کبریت‌سازی، صابون‌سازی و ایجاد کارخانجات تولید سیمان در شهر ری و شیراز و تأسیس کارخانجات تولید قند در شیراز، مشهد و کرج کمک کردند. اصل چهار همچنین به ساختمان سد کرج، که ۶۰۰ هزار متر مکعب گنجایش آب دارد، کمک مالی کرد.

در آذرماه سال ۱۳۳۶ اجرای تعداد ۳۷ پروژه بین اصل چهار و وزارتخانه‌های کشور، برای نوین‌سازی سازمان‌های کشور امضا شد. تعدادی از این پروژه‌ها شامل اصلاح و توسعه چراگاه‌ها، احیا جنگل‌ها، توسعه مراتع، حفاظت منابع آب،

حفظ خاک زراعتی، نمایش اصول مرتع‌داری صحیح به دامداران، مساحی و اندازه‌گیری کامل منابع جنگلی و چگونگی قطع درختان جنگلی می‌شد. کوره‌های آجری و فلزی جهت تهیه ذغال در تمیشان مازندران، لاجیم سوادکوه، سیاه بیل، طولش، شهسوار، و لندو غیره ساخته شد. در همین سال کلنگ ساختمان آزمایشگاه‌های صنایع دباغی، سفالی، ریخته‌گری، شیمیایی، بافندگی، لوازم خانگی و غیره، توسط Clark Gregory رییس اصل چهار و مهندس شریف امامی [نخست‌وزیر بعدی] به زمین زده شد.

در سال ۱۳۳۳ قرارداد اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بین نخست‌وزیر وقت و آقای William Warne بسته شد. چند سال بعد تعدادی کارخانه کنسروسازی با کمک اصل چهار در شهرهای اصفهان، مشهد و آذرشهر و بسته‌بندی خرما در جهرم و خرمشهر راه‌اندازی شد. در جنوب غربی تهران کارخانه شیشه جام (به ظرفیت ۱/۰۰۰/۰۰۰ متر مربع در سال) و بطری به تعداد روزانه ۲۵/۰۰۰ بطری، که جز کربنات دو سود و مواد نسوز کلیه موارد آن از داخل کشور تهیه می‌شد، به بهره‌برداری رسید. با وزارت کشاورزی پروژه (۰۶۷) در اسفندماه ۱۳۳۶ برای مدت دو سال به امضا رسید. برحسب این قرارداد بنا شد مشاور اصل چهار، Bruce Anderson که مهندس کشاورزی بود، طرز عمل ماشین‌الات را آموزش دهد. مزارع نمونه کرج را توسعه دهد، زمین‌های جدیدی را احیا کند، و روش‌های آبیاری جدید را به کارمندان وزارتخانه آموزش دهد. در همان سال آقای Daryk کارخانه پشم‌شویی کرج را ایجاد کرد.

در شرایط نبود آمار کلان تعیین دستاوردهای اصل چهار کاری بس مشکل است. لکن چنانچه عملیات هیأت عمران بین‌المللی آمریکا نیز در طول سال‌های بین ۱۹۵۶ - ۱۹۶۶ در نظر گرفته شود، بین این سال‌ها محصول پنبه ایران دوبرابر شد. محصول چغندر و چای در کشور سه برابر شد و به ۱/۵ میلیون تن چغندر و ۲۰/۰۰۰ تن چای

رسید. محصول برنج کشور ۷۲ درصد افزایش یافت و به ۹۰۰/۰۰۰ تن رسید. ولی هنوز هم کمبودها فراوان بودند و ۱۵ درصد غلات و خوراک دام، ۶۰ درصد روغن نباتی، ۷۰ درصد شکر و ۲۴ درصد چای مورد نیاز کشور از خارج وارد می‌شد.

جمع‌بندی

اصل چهار ترومن برای جلوگیری از سقوط کشور ایران به دامان کمونیسم اجرا شد. این برنامه اهدافی در ظاهر بشردوستانه، ولی در باطن کاملاً سیاسی داشت. وسیله اجرای این اهداف عملیات فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی بود. انتقال تکنولوژی، دانش فنی و نوآوری‌های اصل چهار به ایران باعث شد از فقر و فلاکت مردم در دوران بسیار پریشان پس از پایان جنگ جهانی دوم اندکی کاسته شود. ضمناً فعالیت‌های اصل چهار هم‌راستا با سایر برنامه‌های تبلیغاتی آمریکا توانست مردم ایران را در برابر نفوذ کمونیسم مقاوم سازد. صدها پروژه آموزشی، بهداشتی یا بودجه‌های نسبتاً اندکی در ایران اجرا شد. اصل چهار هم منابع مالی این پروژه‌ها را تأمین می‌کرد و هم ابزار کار، ماشین‌الات و متخصصین مربوطه را به ایران دعوت می‌کرد تا آنها اصول کار کردن و طرز بهره‌برداری از ماشین‌الات را به ایرانیان آموزش دهند. در آغاز اجرای برنامه اصل چهار مشاورین و متخصصین آمریکایی با صداقت و صمیمیت غیرمنتظره‌ای در روستاهای کشور کار می‌کردند و روش‌های نوین زراعت، باغداری و دامداری را به مردم می‌آموختند این برنامه که در زمان نسبتاً کوتاهی اجرا شد آثار مفیدی بر جای گذاشت. متأسفانه با سایر اقدامات سیاسی مخفی و تبلیغات آشکار دولت آمریکا در ایران افکار عمومی نسبت به حضور این بیگانگان در کشور تغییر کرد و خدمات گروه اصل چهار را نیز در چشم مردم کمرنگ ساخت.

از سال ۱۹۵۳ به بعد که دولت مصدق سقوط داده شد، با ورود مشاورین نظامی و ایجاد مرکز Armish Mag و دفتر USIS که به امر تبلیغات

می‌پرداخت، و بعد از تصویب لایحه کاپیتولاسیون کم‌کم تغییرات محسوسی در رفتار آمریکاییان مشاهده شد. دیگر از برابری و صمیمیت سابق خبری نبود. نظامیان آمریکایی کم‌کم رفتار قوم غالب را به خود گرفتند. عملکرد CIA در سقوط دادن دولت قانونی دکتر مصدق مردم ایران را شدیداً تحقیر کرد و این رویداد در ضمیر تاریخی مردم ثبت شد. اثر منفی این رویداد چنان عمیق بود که همه چیز را تحت شعاع خود قرار داد و مردم قدرشناس ایران حتی خدمات مفید پرسنل اصل چهار را به فراموشی سپردند.

در هر صورت نمی‌توان انکار کرد که نوآوری‌های متخصصین اصل چهار حفره‌های عمیق و دایمی در بینش‌ها و روش‌های مردم ایران ایجاد کرد. در اثر مساعی اصل چهار سطح بهداشت مردم ارتقا یافت و مرگ و میر کمتر شد. بذرها و نژاد حیوانات بومی مورد اصلاح قرار گرفتند، فعالیت‌های جدید آغاز شدند و برای گروه‌هایی از مردم امکان اشتغال و درآمد فراهم گردید.

برحسب گزارش‌هایی که بعداً انتشار یافت اصل چهار سالانه بین ۱۸ تا ۲۵ میلیون دلار برای کمک‌های فنی و حرفه‌ای در ایران هزینه می‌کرد و مبالغ دیگری را به دستک‌ده‌های دولتی وام می‌داد. (۲) ارزش این کمک‌ها جمعاً به مبلغ ۳۲۱/۷۰۰/۰۰۰ دلار رسید کسه میل ۲۵۶/۷۰۰/۰۰۰ دلار کمک بلاعوض و ۶۵/۰۰۰/۰۰۰ دلار آن در غالب اعتبار و وام ۲۵ ساله با بهره ۳٪ بود. بانک‌های کشاورزی، صنعتی، رهنی و عمران دریافت‌کنندگان این وام‌ها بودند. منابع:

۱- مجله اخبار هفته از شماره ۱۰۰۰ دوم ۱۳۳۶

۲- مجله مرزهای نواز شماره هشتم دوره یازدهم ۴۵-۱۳۴۳

۳- مصاحبه حضوری با چند نفر از مسئولین ایرانی اصل چهار

